

واکاوی سیر تحولات انقلاب اسلامی در شهر اصفهان در حد فاصل سال‌های (۱۳۴۷-۱۳۴۰ش)

دکتر سید علیرضا ابطحی^۱
کیمیا کشتی‌آرا^۲

چکیده

سال‌های سرنوشت‌ساز دهه چهل شمسی، در تکوین سیر تحولات انقلاب اسلامی در اقصا نقاط ایران، از جمله شهر اصفهان، با اوج‌گیری مبارزات علیه حکومت پهلوی به ویژه از سوی نیروهای مذهبی به رهبری امام خمینی توأمان گردید. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ش، نقطه عطف این مبارزات بود. اتفاقی که سرآغاز فصلی نو در رویارویی مخالفین با رژیم پهلوی بود. به همین منظور این مقاله با هدف بررسی فراز و فرود مبارزات مردمی و نقش روحانیت و چهره‌های مبارز در شهر اصفهان، با طرح این پرسش که تحولات انقلابی در شهر اصفهان در سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۴۰ش، چه مسیری را طی کرد؟ و در نظر گرفتن این فرضیه که حضور چهره‌های فعال فرهنگی و مذهبی نقشی مؤثر در ساماندهی این عرصه داشت، با شیوه توصیفی - تحلیلی چگونگی سیر این روند را مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش با بهره‌گیری از متون تاریخی و با تکیه بر اسناد و مصاحبه با چهره‌های فعال در عرصه مبارزات پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، همسویی مسائل سیاسی، فرهنگی و اعتقادی در جریان مبارزات و جایگاه روحانیت (حوزه علمیه) و نقش اعتقادات مذهبی در این مسیر و حمایت اقشار مختلف همچون معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان، اصناف و بازاریان را در سال‌های مورد بحث نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: اصفهان، امام خمینی، روحانیت، مبارزات فرهنگی.

^۱ عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، اصفهان، ایران abtahi1342@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

مقدمه

از دیرباز شهر اصفهان به عنوان کانون چهره‌های سرشناس سیاسی و مآمن شخصیت‌های مذهبی، متأثر از حوادث سیاسی و اجتماعی که بر ایران زمین گذشته، مهد دینداری و مرکز فعالیت‌های سیاسی بوده است. به دنبال تحولات ناشی از انقلاب مشروطه و پس از آن دوران پهلوی در ایران، این شهر به مرکزی مناسب برای فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی- مذهبی تبدیل شد. این امر به ویژه با آغاز نهضت امام خمینی در مسیر تازه‌ای قرار گرفت. مردم اصفهان این بار به رهبری روحانیونی چون آیت الله سید حسین خادمی و آیت الله سید جلال الدین طاهری و... در نقاط مختلف از جمله، نجف آباد، خمینی شهر (همایونشهر)، شهرضا و... دوشا دوش یک دیگر به صحنه آمده و با چهره‌های سیاسی، فرهنگی و بازاری همراه شدند. اعتراض به تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، واکنش به دستگیری و تبعید امام خمینی، تعطیلی بازار و دروس حوزوی و مخالفت با رژیم پهلوی حاکی از حضور پررنگ فعالان انقلابی و مردم این شهر در صحنه تا پیروزی انقلاب اسلامی دارد. هر چند این تحولات، پس از سرکوب خون بار قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ش، و تبعید امام خمینی به خارج از کشور با قدرت نمایی دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی حکومت پهلوی با فراز و فرودهایی همراه بود، با این حال مردم اصفهان در کنار مردم سایر استان‌ها تا به ثمر رسیدن مبارزات به فعالیت و تلاش ادامه دادند. این پژوهش با بهره‌گیری از اسناد و بازگویی خاطرات چهره‌های فعال در این زمینه با هدف بررسی همسویی مبارزات فرهنگی و سیاسی به واکاوی تحولات در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی در شهر اصفهان در حد فاصل سال‌های (۱۳۴۷-۱۳۴۰ش) پرداخته است. پژوهش نشان می‌دهد درهم تنیدگی مبارزات در قالب سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چگونه در پیروزی انقلاب اسلامی مثمر ثمر بوده است.

بازتاب جانشینی امام خمینی پس از رحلت آیت الله بروجردی

به دلیل استقرار حوزه علمیه و حضور چهره‌های شاخص مذهبی در شهر اصفهان، از دیرباز پیوندی استوار مابین مردم و عالمان و مراجع بزرگ شیعه در این شهر برقرار بوده است. در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مانند بیشتر شهرهای کشور، عده‌ی زیادی از مردم مقلد آیت‌الله بروجردی بودند. در پی رحلت این عالم فرزانه در سال ۱۳۴۰ش، مردم در سوگ این مرجع تقلید به عزا نشستند.^۱ مسئله جانشینی به سبب حضور شخصیت‌های مختلف مذهبی همچون «... آیت-

الله حکیم، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله هادی شیرازی، آیت‌الله خویی و آیت‌الله عبدالله شیرازی در عراق و در قم آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی، حضرت امام و آیت‌الله شریعتمداری...^۲، بحث مهمی بود که در آن روزها بسیار مطرح بود. اما بنابر گفته حجت‌الاسلام سید نورالدین طاهری شیرازی: "... اکثریت این آقایان مراجع در همان خط و مشی مرجعیت فتوا و تدریس بودند و تنها کسی که به عنوان یک روحانی و رهبر از نظر مرجعیت و سیاست جمع بین دو جهت را داشت آن هم در حد کمال، امام بود..."^۳. در اصفهان نیز تنی چند از روحانیون، امام خمینی را جانشینی مناسب برای آیت‌الله بروجردی می‌دانستند. مرجعیت دینی امام از یک سو و مرجعیت سیاسی ایشان از سوی دیگر سبب شد، بعضی بزرگان دینی و منبری مانند: آیت‌الله خادمی و حاج آقا فخر کلباسی، حاج آقا احمد امامی، حاج آقا مهدی مظاهری، حاج آقا کمال فقیه ایمانی، با در نظر گرفتن خصوصیات سیاسی یا علمی آیت‌الله خمینی به معرفی ایشان همت کنند.^۴ از همان ابتدا بسیاری از صحبت‌های امام با استقبال جوانان روبه رو شد، این مطلبی است که مهندس رضا میر محمدصادقی از جوانان فعال در آن زمان در خاطرات خود این گونه به آن اذعان می‌کند: «... زمانی که مرحوم بهشتی در سال ۱۳۴۰ به ما درس می‌داد ما را با امام آشنا کرد. بعد از فوت آیت‌الله بروجردی، من و... برادرم حاج علاالدین و مرحوم بهشتی و... که در آن زمان از قم به تهران تقریباً تبعید بود به خانه‌ی آقای خمینی رفتیم و متوجه شدیم حرف‌هایی که این سید می‌زند با مسائلی که ما قبلاً دنبالش بودیم تطبیق می‌کند...»^۵.

بدین گونه در بیشتر نقاط کشور از جمله اصفهان، جانشینی امام خمینی با استقبال روبه رو شد. با گشوده شدن فصل جدیدی در تاریخ سیاسی کشور زمینه‌های پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی مهیا شد. (سند شماره ۱)

نخستین قدم‌ها در مسیر مبارزه

هنگامی که دولت امیر اسدالله علم قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ش، به مجلس شورای ملی برد، واکنش امام به آن سر آغاز بروز تحولات بود. به دنبال تصویب این قانون توسط مجلس، دولت تلاش داشت از طریق جراید در خصوص مفاد این لایحه اطلاع رسانی کند. در پی حرکت امام خمینی، بیشتر روحانیون اصفهان نیز با همراهی برخی اصناف و بازاریان با انتشار بیانیه اعتراضات خود را به این لایحه اعلام داشتند. آیت‌الله خادمی با

اعتراض به اجرای آن ناراضیتی خود را ابراز نمود و علیه دولت اتخاذ موضع کرد. علمای حوزه علمیه قم نیز از روحانیون اصفهان اعلام حمایت کردند.^۶ نقش امام خمینی به عنوان محور این مبارزات، شایان توجه بود. اعلامیه‌های امام در جریان آگاه سازی جوانان مبارز بسیار مؤثر بود و سبب شد مردم برخی شهرهای کشور منجمله اصفهان با مسافرت به قم و یا اطلاع از سخنرانی‌های ایشان، در امر مبارزه راسختر شوند. اطلاع رسانی در خصوص نظرات امام در اصفهان با شور و حرارت دنبال می‌شد. مجالس مذهبی و جلسات روضه خوانی بهترین مکان برای آگاهی بخشی در این خصوص بود. علی رغم تأکید نیروهای امنیتی و ساواک، حجت الاسلام سید رضا روضاتی و شیخ غلام رضا فیروزیان از جمله چهره‌هایی بودند که در جلسات روضه خوانی و مناظر در خصوص صحبت‌های امام خمینی، برای مردم سخنرانی می‌کردند.^۷ فضل‌الله صلواتی از جمله چهره‌های فعال بر این نکته اشاره دارد که: "... از همان زمان کار تشکل‌ها، پیرامون افکار ایشان (امام خمینی) سامان گرفت، چهره‌هایی همچون، حاج آقا رضا روضاتی، حاج شیخ غلامرضا فیروزیان، حاج آقا باقر نیلفروشان و... در تشکیل جلسات نقشی کلیدی داشتند..." وی در ادامه یادآور می‌شود: "...به خاطر دارم که علمایی چون آیت‌الله ارباب و... حاج سید اسماعیل هاشمی در نامه‌ای به آیت الله گلپایگانی حمایت را از نهضت امام اعلام نموده بودند..."^۸

طرح موسوم به انقلاب سفید، به منظور برگزاری همه پرسی برای اصول شش گانه، از سوی محمدرضا شاه در بهمن ۱۳۴۱ش، موج تازه‌ای از اعتراضات را به دنبال داشت. عملکرد دولت و تبلیغات گسترده رسانه‌ای به ویژه از سوی جراید قابل تأمل بود. به عنوان مثال روزنامه اصفهان به مدیریت امیرقلی امینی، با چاپ مقالات متعدد و تشریح مفاد اصول شش گانه تلاش داشت مردم را به منظور شرکت در انتخابات ترغیب کنند. در شماره‌های ۱۰۶۷، ۱۰۶۹ و ۱۰۷۲ این روزنامه مجموعه مقالاتی از مفاد اصول به چاپ رسید و در شماره ۱۰۷۳ این روزنامه گزارش انتخابات و چگونگی برگزاری آن منتشر شد.^۹ در حالی که شاه خواستار رای مثبت به آن بود، اصول شش گانه - ی انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت مخالفت جدی روحانیون را به دنبال داشت و موجب شکل گیری اعتراضات جدیدی شد. اعتراضات علیه همه پرسی به رهبری روحانیون در اصفهان نیز مانند دیگر شهرهای ایران صورت گرفت. به دنبال اقدام امام خمینی مبنی بر تحریم عید نوروز، در آستانه‌ی آغاز سال ۱۳۴۲ش، این حرکت پشتیبانی روحانیون اصفهان را به دنبال داشت. اعلامیه‌های متعددی چاپ و پخش شد. این قبیل امور، حاکی از همبستگی و همسویی بیشتر روحانیت

اصفهان و حمایت مردم از نهضت امام بود. اما این نهضت با وقوع حادثه‌ی مدرسه فیضیه، شکل دیگری به خود گرفت. انعکاس این خبر در شهر اصفهان موجب شد، در تعطیلات نوروز، مجلس فاتحه توسط علما و جلسات خواندن روضه در مساجد و مدارس علمیه، برگزار شود. پیام و تلگراف‌های تسلیت و همدردی از سوی برخی روحانیون و دیگر چهره‌ها ارسال شد. تعطیلی نمازهای جماعت در بعضی مساجد شهر، تعطیلی بازار، چاپ و پخش اعلامیه‌های امام خمینی و دیگر مراجع، از جمله‌ی دیگر اقدامات بود.^۱ سید رضا بهشتی نژاد با اذعان به ظرفیت‌های اصفهان در حوزه‌های مختلف معتقد است: "... ظرفیت‌های گسترده حوزوی، دلدادگی به اهل بیت و مکتب ایشان و برپایی مراسم عظیم دینی چه در موالید و جشن‌ها و چه در عزاداریهای ائمه معصومین پشتوانه‌ای بود، در اصفهان که در سال ۴۲ پیش زمینه‌ای نسبت به جذب اهل اصفهان در سطوح مختلف به امام شد، نیرویی با اعتقاداتی مستحکم و باورهای مذهبی و پیوند عمیقی که با احکام الهی داشت و گذشته این شهر که سرآمد شهرهای وابسته به امام بود..."^{۱۱} در حقیقت از ابتدای شروع این مبارزات، برگزاری جلسات روضه خوانی و عزاداری و گرایش‌های مذهبی نقشی اساسی در جذب مردم متدین داشت. با فرا رسیدن ماه محرم / خرداد ماه ۱۳۴۲ش، حال و هوای اصفهان بیشتر به این سمت و سو متمایل شد.

گذری اجمالی به واکنش‌ها به دنبال دستگیری امام خمینی

با به صحنه آمدن امام خمینی (ره) و فراز و نشیب ناشی از بروز تحولات متعدد، پس از رحلت آیت الله بروجردی، انجمن‌های ایالتی و ولایتی و به دنبال آن انقلاب سفید، سبب شد تصادم در لایه‌های مختلف طبقات اجتماعی و حکمت پهلوی به صورتی بارزتر نمایان شود. واکنش به این حوادث در نهایت منجر به قیام پانزده خرداد و دستگیری امام شد. اعتراض به دستگیری امام و سرکوب قیام پانزده خرداد، سبب هماهنگی بیشتر روحانیت، بازاریان، چهره‌های فرهنگی، دانش آموز، دانشجویان و شخصیت‌های دانشگاهی و تحصیل کرده شد. به گونه‌ای که در سامان‌دهی و هدایت اعتراضات و اعتصابات از گروه‌ها و دسته‌جات و اقشار ذکر شده نمایندگانی حضور داشتند. (سند شماره ۲) این امر در میان روحانیت، بازاریان و اقشار فرهنگی بیشترین بازتاب را داشت. به عنوان مثال، به دنبال انتشار خبر دستگیری امام خمینی، چهره‌های مبارز همچون، آیت الله خادمی، ابطحی، شمس‌آبادی، اشنی، حاج مهدی شکوهنده، طیب زاده و... برای حمایت از امام

خمینی (ره) جلسه‌ای تشکیل دادند. اطلاعیه‌ای با امضای آقایان خادمی، ابوالحسن شمس آبادی، طیب زاده و ابطحی سدهی در حمایت از امام صادر شد.^{۱۲} حاج ابوالقاسم کویایی و حاج حسن حداد از دیگر چهره‌های فعال در مبارزات شهر اصفهان بودند. همچنین حادثه مدرسه فضیه در سایر شهرهای اصفهان، از جمله نجف‌آباد و سده (خمینی شهر) و شهرضا، نیز اعتراضاتی در پی داشت. حجت الاسلام دری نجف‌آبادی با تشریح این احساس همبستگی به تعطیلی بازار و مغازه‌ها و تحصن در مسجد بازار اشاره می‌کند.^{۱۳} اعتراضات روحانیون به دستگیری امام خمینی تا مدت زیادی ادامه یافت. سالیان متمادی پیوند کسبه با روحانیت، این بار نیز در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی متجلی شد و با وجود مراقبت‌های دستگاه‌های امنیتی و فشار ساواک، بازاریان با تعطیلی مغازه‌های خود اعتراضات خود را به ویژه در چهارباغ، دروازه دولت و چهارسوق شیرازی‌ها نسبت به عملکرد حکومت پهلوی در جریانات پیش آمده ابراز داشتند.^{۱۴}

محمد حسن رحیمیان و فضل الله صلواتی، در خاطرات خود به نقش بازار در همسویی با روحانیون و سایر چهره‌های مبارز یاد می‌کنند. صلواتی، نقش شخصیت‌هایی همچون حسین صاحبان‌پور و حسن حداد و همکاری چندی از دانش‌آموزان مدرسه سعدی در همکاری با بازاریان و تعطیلی بازار را شایان توجه می‌داند.^{۱۵} رحیمیان از روحانیون فعال در نهضت اسلامی در این مورد می‌نویسد: "... خیابان‌ها تا حدود یک هفته و بازار تا دو هفته در حال اعتصاب بودند...".^{۱۶} وی همچنین از حضور چهره‌هایی نظیر رضا مهاجر و موحدیان نام می‌برد. این اعتراضات و تعطیلی بازار نه فقط در اصفهان بلکه در سایر شهرها از جمله نجف‌آباد تا ملاقات آیت الله خوانساری با امام خمینی و خبر سلامتی ایشان ادامه داشت. مسلماً در این مسیر نقش فرهنگیان و دانش‌آموزان اصفهان را نمی‌توان از نظر دور داشت. این قشر نیز به دنبال دستگیری امام خمینی، نسبت به عملکرد دولت معترض شده و به رغم مراقبت نیروهای امنیتی در پخش اعلامیه و اطلاع‌رسانی در این خصوص فعالانه عمل کردند. معلمانی مانند آقای گلبدی از مسئولان مدرسه‌ی کروزال‌ها و حاج آقا باقر نیلفروشان مدیریت مدرسه‌ی ترقی از جمله این چهره‌ها بودند.^{۱۷} حسنعلی زهتاب از معلمان فعال در عرصه مبارزات در پیش از پیروزی انقلاب در این خصوص می‌گوید: "... رژیم اسم روشنگری که ما در سخنرانی‌ها برای جوانان داشتیم را اغتشاش و تحریک می‌گذاشت در حالی در کارها و در همه سیر کارها جز خدا چیزی در ذهنمان مان و انگیزه ما نبود...".^{۱۸}

سیر تحولات پس از آزادی امام خمینی در شهر اصفهان

با روی کار آمدن دولت حسنعلی منصور در اواخر سال ۱۳۴۲ش، محمد رضاشاه تلاش کرد در سیاست‌های خود تغییراتی ایجاد کند. نخست وزیر جدید چهره‌ای جوان بود و با افکار نوین و مترقی قصد داشت، فضای سیاسی متلاطم کشور را آرام کرده و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی نوین در راستای اهداف غرب و آمریکا را در ایران پیاده کند. بنابراین در اوایل کار سیاستی متعادل-تر در قبال معترضین در پیش گرفت و در ظاهر نسبت به روحانیون و دین اسلام ادای احترام کرد. به همین دلیل امام خمینی در ۱۸ فروردین ۱۳۴۳ ش، از زندان آزاد شد و در میان استقبال گرم مردم به قم بازگشت. اما امام در دیداری با جواد صدر وزیر کشور دولت منصور در قم، ذره‌ای از مواضع پیشین عقب نشینی نکرد و مخالفت خود را با تصویب و اجرای قوانینی که با دین اسلام مغایرت داشت ابراز نمود.^{۱۹} به دنبال آزادی امام، شادی در شهرهای مختلف کشور از جمله اصفهان حکمفرما شد. روحانیونی همچون آقایان آیت‌الله خادمی، حاج آقا فخرکلباسی و حاج آقا ابطحی و... برای دیدار با امام خمینی به قم رفته و آزادی ایشان را تبریک گفتند.^{۲۰} عده زیادی از مردم نیز از اصفهان با سفر به قم حمایت خود را از افکار و عملکرد امام خمینی ابراز داشتند. (سند شماره ۳) اما این شرایط چندان پابرجا نماند. مدت کوتاهی پس از آزادی امام، دولت در راستای اجرای سیاست-های آمریکا در ایران، در تلاش به منظور تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون لایه‌های شکاف میان حکومت و مردم و روحانیون را عمیق‌تر کرد. اعطای مصونیت به شهروندان آمریکایی مقیم ایران، شکل‌گیری اعتراضات جدید به حکومت پهلوی را در پی داشت.^{۲۱} امام این مسئله را مصداق وابستگی و تحقیر ملت ایران دانست.^{۲۲} سخنرانی ایشان حاکی از عمق تأثیرشان بود: "... قانونی به مجلس بردند که در آن اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به آن که مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان و هرکسی که به آنها بستگی دارد از هر جنایتی که در ایران بکند مصون هستند. اگر یک خادم آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد. دادگاه‌های ایران حق محاکمه ندارند. و باید پرونده به آمریکا برود و در آنجا ارباب تکلیف را معین کند...».^{۲۳} ادامه اعتراضات امام و صدور بیانیه ایشان سبب شد با وجود جو امنیتی توسط ساواک، این اطلاعیه طی چند روز به وسیله‌ی طرفدارن امام در کشور منتشر شود.^{۲۴} اما نهایتاً منجر به تبعید امام خمینی در آبان ۱۳۴۳ش، به عراق گردید. به دنبال تبعید امام، ساواک اطلاعیه‌ی کوتاهی در این خصوص منتشر کرد.^{۲۵} این امر تحولاتی را به

دنبال داشت. اعتراضات گسترده‌ای از جانب بازاریان و طلاب و علمای حوزه‌های علمیه صورت گرفت. جو امنیتی حاکم بر جامعه، تعطیلی بازار و درس‌های حوزه‌ی و نمازهای جماعت به عنوان اعتراض در بسیاری از شهرستان‌ها تا حدود یک ماه به طول انجامید.^{۲۶}

تداوم مبارزات در قالب‌های مختلف

میزان نفوذ کلام و قدرت بیان امام موجب شد، اعتراض به کاپیتولاسیون و پخش اعلامیه‌های اعتراض‌آمیز به این مسئله و تبعید ایشان از ایران، در اصفهان نیز بازتاب داشته باشد. مهندس رضا میر محمد صادقی از جمله افرادی بود که در پخش اعلامیه‌های امام خمینی در سطح شهر نقش داشت. با این حال به دلیل تدابیر شدید امنیتی و عملکرد مقامات حکومتی از جمله مهندس ابراهیم پارسا استاندار، سرهنگ صدقی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان و سرهنگ فراست فرمانده-ی هنگ ژاندارمری و... تصمیماتی علیه معترضان اتخاذ و اعتراضات روحانیون و بازاریان به تبعید امام خمینی سرکوب شد. به دنبال آن مرکزیت تکثیر اعلامیه‌های انقلابی که تا آن زمان در اصفهان بود به قم منتقل و سایه‌ی خفقان بر اصفهان حاکم گردید. با بسته شدن فضا، برخی از فعالان سیاسی به سوی اقدامات مسلحانه گرایش یافتند. با این حال گروهی راه مبارزه فرهنگی به منظور بالا بردن سطح آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی را برگزیدند. بدین ترتیب فعالیت این گروه-ها و شیوه‌ی عملکرد آن‌ها از طریق تأسیس کانون‌ها و مراکز آموزشی به ویژه برای جوانان دنبال شد. چهره‌های فرهنگی نظیر، دبیران و دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه، روحانیون، اندیشمندان و روشنفکران با حمایت مالی برخی بازاریان در کنار مباحث فرهنگی- مذهبی، مسائل سیاسی روز را از این طریق مطرح می‌کردند. تأسیس کانون علمی تربیتی جهان اسلام که از سال ۱۳۴۷ش، کار خود را در شهر اصفهان آغاز کرد، از جمله این فعالیت‌ها بود.^{۲۷} چهره‌هایی فعال همچون حاج محمد بصیری، حسین گلپیدی، مهندس مصحف و برادران اژه‌ای و... با انتشار کتاب و جزوات و نشریه‌ای با عنوان (فرصت در غروب) و مصاحبه با شخصیت‌های مطرح مذهبی روز مانند مرحوم علامه جعفری و دعوت از سخنرانانی مانند شهید بهشتی از طریق ارتباط با دانش‌آموزان دبیرستانی به خصوص دبیرستان ادب در عرصه پرورش مبارزان دانش‌آموز عملکردی فعال داشتند.^{۲۸} گزارش مفصلی از مراسم افتتاحیه این کانون توسط رحمت‌الله خالقی در تاریخ سه شنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۴۷ش، در شماره ۱۷۱۵ روزنامه اصفهان به چاپ رسید. در گزارش آمده بود،

مهندس مصحف، مهندس بصیری و استاد محمد تقی جعفری از سخنرانان مجلس بودند و هدف از افتتاح این کانون، سرمایه‌گذاری در زمینه جهت‌دهی به افکار جوانان اعلام شده بود.^{۳۹} مهدی اژه‌ای از دیگر چهره‌های فعال در کانون نیز با اشاره به حضور دانش‌آموزان مدرسه ادب در کلاس‌ها و خصوصاً کتابخانه‌دائر در محل کانون، این امر را حاکی از استقبال جوانان می‌داند.^{۴۰} از دیگر شخصیت‌های مبارز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حاج احمد زمانی اجرای تاترهای مذهبی در مدارس از سوی دانش‌آموزان را بخشی از این فعالیت‌ها میدانند و در خصوص میزان تأثیرگذاری فعالیت‌های فرهنگی معتقد است: "... در شهر اصفهان روحانیونی نظیر آیت‌الله خادمی، حجت‌الاسلام فیروزیان و... و شخصیت‌هایی از آموزش و پرورش مانند مرحوم استاد علی اکبر پرورش، سید حسن بدری، حسنعلی زهتاب، فضل‌الله صلواتی، حاج حسن حداد و... تلاش داشتند به این وسیله ارتباط خود را با جوانان حفظ کنند..."^{۴۱} فضل‌الله صلواتی نیز با اشاره به برپایی اردوهای تفریحی برای دانش‌آموزان و نوجوانان، هدف اصلی چنین برنامه‌هایی را ذکر مباحث سیاسی و مذهبی و جذب نوجوانان و جوانان در قالب برنامه‌های تفریحی عنوان می‌کند و معتقد است با وجود ممانعت از این برنامه‌ها، این قبیل امور با جدیت دنبال می‌شد.^{۴۲} نکته حائز اهمیت این است که عملکرد فرهنگیان به ویژه در جهت بیداری نوجوانان و جوانان در سمت و سوی گرایش‌های مذهبی، در جراید نیز بازتاب داشت. افزایش چاپ مقالات مذهبی در ایام سوگواری و اعیاد، بقلم چهره‌هایی همچون فضل‌الله صلواتی، محمد جناب‌زاده و حسنعلی زهتاب با موضوعات نبوت، امامت و مهدویت، برای نمونه در روزنامه اصفهان در جهت ترغیب جوانان به پیگیری مباحث اسلامی از این دست اقدامات بود. حاج رضا طیب‌نیا از فعالان در ابابصیر نقش، شهید بهشتی در این مسیر را از طریق سخنرانی در مرکز احمدیه و کانون علمی و تربیتی جهان اسلام می‌داند.^{۴۳} همچنین به دلیل بروز محدودیت‌ها در امر چاپ و توزیع اعلامیه، برپایی جلسه‌های سخنرانی و روضه خوانی یک تاکتیک مبارزاتی مفید در این برهه به شمار می‌رفت و آیت‌الله بهشتی از جمله چهره‌هایی بود که به منظور سخنرانی در جلسات حضور می‌یافت.^{۴۴}

باید خاطر نشان داشت، مسجد علی و مسجد سید اصفهان نیز از جمله پایگاه‌های دینی فعال در امور فرهنگی بودند. به گونه‌ای که پس از تعطیلی کانون علمی - تربیتی جهان اسلام به دلیل فشارهای حکومت، ادامه فعالیت‌ها توسط شهید علی اکبر اژه‌ای تا مدت‌ها در مسجد علی ادامه داشت. در کنار امر آگاهی بخشی سیاسی، مبارزه با گسترش بهائیت و مسیحیت نیز از دیگر اهداف

فعالیت‌های مذهبی - فرهنگی بود. به همین دلیل در سال‌های بعد با وجود اعمال محدودیت از جانب حکومت، فعالیت کانون تعلیمات و تبلیغات اسلامی بانوان اصفهان زیر نظر حاجیه خانم فخرالسادات ابطحی^{۳۵} و مرکز آموزش احمدیه و یا انجمن مددکاری ابابصیر و سایر مراکز عام المنفعه به فعالیت در این زمینه ادامه دادند. با آن که می‌توان عمده‌ترین دلیل تمایل به امر آگاه سازی و زمینه سازی فرهنگی از سوی برخی چهره‌ها و رهبران را ناشی از تجربیات تلخ گذشته و نتایج حاصل از آن دانست. با این حال مبارزات مسلحانه از سوی گروه‌هایی که، دست یابی به اصلاحات سیاسی در رژیم پهلوی را از طریق مسالمت‌آمیز بی‌فایده می‌دانستند، نیز دنبال شد. هدف این گروه‌ها درگیری با عوامل وابسته به رژیم به ویژه ساواک به منظور ضربه زدن به دستگاه حکومتی بود. هر چند به مرور زمان در میان اعضای این گروه‌ها در مباحث ایدئولوژی و طرق دست‌یابی به هدف اختلاف نظرهایی بروز می‌کرد و این امر سبب می‌شد، بیشتر این گروه‌ها دچار انشعاب شده و گروه‌های کوچکتری از دل آن‌ها ایجاد شود. با این حال نقش گروه‌هایی مانند هیئت مؤتلفه را نمی‌توان نادیده گرفت. با اینکه هیئت مؤتلفه در تهران تشکیل شد، به دلیل حضور اصفهانی‌های ساکن تهران در آن، با مبارزان اصفهانی ارتباط داشت. این هیأت اولین گروه با خط مشی مخفی و مسلحانه پس از قیام ۱۵ خرداد و از پیروان امام خمینی، علاوه بر تهران از حمایت مالی بازاریان اصفهان نیز برخوردار بود.^{۳۶} شهید مرتضی مطهری، شهید بهشتی و آیت الله انواری با همکاری شهید باهنر و...، بر آموزش و جهت‌دهی به این مبارزین نقش داشتند.^{۳۷} این گروه در آگاه‌سازی مردم در جریان دستگیری امام در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش، نقش مؤثری داشت.^{۳۸}

مهدی بهادرانی، علاءالدین میر محمد صادقی، عزت‌الله خلیلی و حاج سید فندرسکی، جعفری و صدرالدین شیرازی از مرتبطين اصفهانی با مؤتلفه بودند.^{۳۹} شعبه فعال هیئت در اصفهان به پخش اعلامیه‌هایی می‌پرداخت، که به دلیل فقدان امکانات در تهران امکان چاپ آن‌ها نبود. اعلامیه‌های هیأت مؤتلفه، توسط حسین صاحبانپور، عباس نصرآزادانی و آقای گلبیدی و... در اصفهان توزیع می‌شد. برخی اعلامیه‌هایی که به نام این هیئت به چاپ نمی‌رسید، توسط چاپخانه‌های مهربان در خیابان طالقانی و فردوسی در خیابان عبدالرزاق، تهیه و در میان گروه‌های مختلف پخش می‌شد. دکتر بهشتی و حجت الاسلام سید احمد امامی و حجت الاسلام جعفری در جهت آشنایی مبارزین مذهبی با یک دیگر فعالیت می‌کردند، که این آشنایی‌ها سبب برنامه‌ریزی انجام برخی امور در مشهد و قم و اصفهان می‌شد.^{۴۰} با این حال، به مرور زمان تبدیل شیوه غالب فعالیت

به مبارزه مسلحانه، مؤتلفه را دچار رکود کرد.^{۴۱} هر چند گروه‌های دیگری نیز مانند منصورون، مهدیون، توحیدی صف و... در سال‌های بعد وارد میدان شدند و حتی گروه‌های چپی بار دیگر با نام‌های چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق پا به عرصه گذاشته و ختم‌شده مبارزات مسلحانه را پیشه کردند و در اصفهان نیز تحرکاتی داشته و حتی برخی از آن‌ها تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت خود ادامه دادند، منتهی به دلیل بافت سنتی اصفهان و گرایش‌های مذهبی توفیق چندانی در این شهر بدست نیاوردند. بدین ترتیب می‌توان گفت به دنبال تبعید امام خمینی هر دو شیوه مبارزه در شهر اصفهان، مانند بیشتر شهرهای کشور از سوی چهره‌های سیاسی پیگیری شد. اما به دلیل حضور شخصیت‌های سرشناس روحانی، سیاسی و بازاری و وجود حوزه علمیه و همچنین سابقه فعالیت گروه‌هایی مانند هیئت علمیه اصفهان و مدارس جامعه تعلیمات اسلامی بستر انجام امور فرهنگی - مذهبی در این شهر بیشتر فراهم بود و این قبیل امور تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان گفت در جریان حوادث منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، شهر اصفهان به دلیل استقرار حوزه علمیه و حضور روحانیون سرشناس، به عنوان یک پایگاه مذهبی و چهره‌های فرهنگی و سیاسی از یک سو و وجود کارخانه‌های متعدد و قشر کارگر از سوی دیگر به عنوان کانون تحولات سیاسی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود. در فضای متهدلب سیاسی پس از رحلت آیت الله بروجردی و به دنبال آن تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و اجرای اصلاحات ارضی، مردم اصفهان نیز همچون سایر شهرها گام به گام، در رویارویی روحانیت به رهبری امام خمینی با حکومت پهلوی در صحنه حضور داشتند. چهره‌های فعال فرهنگی و بازاری با حمایت از امام و در واکنش به تبعید ایشان و استمرار مبارزات در قالب‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی تا پیروزی انقلاب اسلامی مردم را با این موج همراه ساختند. از آنجایی که اهداف برنامه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رژیم پهلوی در تعارض با مسائل دینی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، شکاف میان دولت و روحانیت را عمیق‌تر کرده بود. فعالیت‌های فرهنگی در قالب تأسیس مراکز مذهبی، برگزاری جلسات سخنرانی و روضه خوانی در جهت آگاهی بخشی سیاسی و جذب جوانان بسیار مؤثر بود. چهره‌های شاخص روحانی و دبیران آموزش و پرورش در

این مسیر تلاش بسیاری داشتند و عملکرد مراکزی همچون کانون علمی و تربیتی جهان اسلام، کانون تبلیغات اسلامی بانوان و انجمن خیریه ابابصیر نمونه‌هایی موفق از این قبیل امور بودند.

نظرخواهی از آیت‌الله کرمانی

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت حجة الاسلام والمسلمین آیت‌الله العظمی آقا‌ی زندگرمانی دامت برکاته العالیه محترماً معروض می‌دارد در این بحران که بوسیله دست‌های مرموز دشمنان اسلام ایجاد اختلاف بین دولت و مقام شامخ روحانیت گردیده حتی گاهی راجع به مرجع عالی‌قدر شیعه حضرت آیت‌الله العظمی آقا‌ی خمینی مدظله العالی مذاکراتی شتیده میشود متمنی است برای روشن شدن اذهان مردم مسلمان این شهرستان نظریه خود را نسبت به معظّم له بیان فرمائید باعث مزید امتنان و دعاگوئی است

مسلمانان اصفهان

بسمه تعالی

متأسفانه این اختلاف خانمانسوز که در اثر اغفال اولیاء امور نسبت به نظریات و تذکرات مشفقانه مراجع معظم پیش آمده است قلب هر مسلمان وطنخواه را چریحه داز نموده و امید است با تجدید نظر دولت در روش این چند ماهه اخیر و توجه به نظریات و پیشنهادات مشروع جامعه روحانیت این بحران هرچه زودتر خاتمه و همگی از عواقب وخیم این وضع محفوظ مانده و وحدت کلمه که لازمه توحید است برقرار گردد .

و اما شایستگی زعامت و مرجعیت حضرت آیت‌الله العظمی آقا‌ی خمینی مدظله العالی مسلم و مورد قبول علمای اعلام و آیات‌العظام و این حقیر میباشد و سوابق عامی معظّم له از زمان مؤسس و الامقام حوزه مقدسه قم مرخوم میروند آیت‌الله العظمی آقا‌ی حاجری طاب مضجعه الشریف بردانشمندان و آشنایان به حوزه مقدسه قم معلوم و تکفل معظّم له مدیریت علمی حوزه علمیه قم را بر همه کس روشن و تردیدی نیست و **والسلام علی من اتبع الهدی**

القاصر الفانی محمد باقر زندگرمانی

سند شماره ۱: نظرخواهی از آیت‌الله کرمانی

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره انقلاب اسلامی در اصفهان

پانزده خرداد و جهت برگزینی نهضت

د از نطق تاریخی امام در عصر عاشورای ۴۲ در فیضیه معظم له را در آنشب
نگر نمودند ، فردا حرکت شدید امت اسلامی برای اعتراض باین عمل در
هران ، وقم و چند شهر دیگر منجر به شهادت عزیزان بسیاری شد .
عادی در صد قصد جان امام و رهبر برآمدند که علماء بزرگ شهرستانها
دی جلوگیری از این عمل به تهران رفتند ، از اصفهان آید شروع می بودند

عبر این نادان زمان، خود گویا میباشد

مهمممم (تم - - - - - ران) مهمممم

حضرت مبارك حضرت حجة الاسلام والمسلمين آيت الله العظمى الحاج اقا حسين خادمي

دامت برکاتش

بر از عرض سلام و بسلامت مراتب ارادت اکتونکده جنابعالی باتفاق سایر
حجج اسلام و علماء اعلام دامت برکاتهم برای حمایت احکام
این مقدس اسلام و اعلاء کلمه حق و محو ظلم و ستم بتهران
تریف فرما شده اید فرصت را مختتم شمرده مراتب پشیمانسی
و حمایت بیدریغ خود را از ان پیش روایان خود اعلام میداریم .
ضمناً تذکر می شویم که بحدی درفش ارهستیم که نعمت و انیم
دانه همین نامه را که ساده ترین حقوق قانونسلی
افراد است اشک را از امضا

منا تیبیم

مردم اصفهان

۱۳۴۲/۵/۸

سند شماره ۲: اطلاعیه ۱۵ خرداد

بر گرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره انقلاب اسلامی در اصفهان

اثرات تحولات همگانی و حدت و یگانگی امت ایگوز کار ساز

دولت طاغوت با زور و ظلم و خشونت‌های که نشان داد در مقابل افکار عمومی قرار گرفت
زندانی شدن امام و سایر شخصیتها چهره ستمگری دستگاه را بیشتر نمایان ساخت.
اجتماع علماء در تهران و اقدامات عمومی رژیم را مجبور کرد تا امام و دیگران را آزاد کند.
همین جریان‌ها باز سرفصل نوینی در انقلاب اسلامی بوجود آورد.

بسمه تعالی

نظر بوصول مژده مسرت بخش آزادی مرجع عالی
و مجاهد عظیم الشان اسلام

حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی

و سایر علماء اعلام مد ظلهم از طرف روحانیون و محققین
علوم دینی اصفهان مجلس جشنی در مدرسه صدر بزرگ
روز یکشنبه ۱۴ ربیع الاول از ساعت ۴ بعد از ظهر تا
منعقد است بدیهی است کلیه طبقات محترم بالاخص علمای
اعلام در این جشن مذهبی شرکت فرموده و قلب مبارک
ولی عصر ارواحنا له الفداء را مسرور خواهند نمود.
روحانیون و محصلین احتیاج



امام بعد از بازگشت از زندان

بی چشم انداز این کسب می‌توان تحول بزرگی را مشاهده نمود.

سند شماره ۳: اطلاعیه آزادی از زندان امام خمینی

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره انقلاب اسلامی در اصفهان

یادداشت‌ها:

- ^۱ - حنیف، محمد، اصفهان در انقلاب، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج (طرح و نظارت: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۳، ص ۴۷.
- ^۲ - باقری، علی، خاطرات ۱۵ خرداد دفتر هشتم، تهران: انتشارات حوزه‌ی هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱.
- ^۳ - همان، ص ۱۰۱.
- ^۴ - حنیف، اصفهان در انقلاب، ص ۶۹.
- ^۵ - مختاری اصفهانی، رضا، دُرد و دُرد (خاطرات سید رضا میر محمد صادقی)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، صص ۸۷-۸۶.
- ^۶ - حنیف، اصفهان در انقلاب، ص ۸۷.
- ^۷ - عباسی، ابراهیم، خاطرات حجت الاسلام جعفری اصفهانی، نوبت چاپ اول، تابستان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۷.
- ^۸ - مصاحبه فضل الله صلواتی، ۱۳۹۲، دفتر کار آقای صلواتی، دبیر سابق آموزش و پرورش، موضوع مصاحبه: فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مصاحبه گران: دکتر سید علی‌رضا ابطحی، کیمیا کشتی‌آرا، ۱۳۹۳، مکان مصاحبه: دفتر کاری فضل الله صلواتی.
- ^۹ - روزنامه اصفهان، صاحب امتیاز و مدیر مسئول: امیر قلی امینی، لوح فشرده روزنامه، محل نگهداری: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، اصفهان، بهمن ۱۳۴۱.
- ^{۱۰} - حنیف، اصفهان در انقلاب، ص ۱۲۶-۱۲۵.
- ^{۱۱} - مصاحبه سید رضا بهشتی‌نژاد، موضوع مصاحبه: فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مصاحبه گران: دکتر سید علی رضا ابطحی، ۹۳/۲/۵، مکان: منزل آقای بهشتی نژاد.
- ^{۱۲} - زمانی، احمد؛ ابطحی، علیرضا، «قیام پانزده خرداد و اصفهان»، نهضت مبدأ مجموعه مقالات قیام پانزده خرداد، به کوشش رحیم نیکبخت میرکوهی، مجتبی سلطان احمدی، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۸.
- ^{۱۳} - نظری، حیدر، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام و المسلمین دری نجف‌آبادی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۶۵.
- ^{۱۴} - زمانی؛ ابطحی، «قیام پانزده خرداد و اصفهان»، ص ۲۷۳.
- ^{۱۵} - مصاحبه صلواتی، ۱۳۹۲.
- ^{۱۶} - رحیمیان، محمدحسن، حدیث رویش، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۶۸.
- ^{۱۷} - مصاحبه فضل الله صلواتی، ۱۳۹۲.

- ۱۸- مصاحبه حسنعلی زهتاب، سمت: دبیر بازنشسته آموزش و پرورش، موضوع مصاحبه: فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مصاحبه گران: دکتر سید علی‌رضا ابطحی، کیمیا کشتی‌آرا، سه شنبه ۹۳/۱/۲۶، مکان مصاحبه: مدرسه امام محمد باقر واثقی.
- ۱۹- شکرزاده، حسن، مبارزات امام خمینی به روایت اسناد (از آغاز نهضت تا تبعید به ترکیه)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۸۵.
- ۲۰- حنیف، اصفهان در انقلاب، ص ۲۶۱.
- ۲۱- قاسمی، طهمورث، نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۶۴.
- ۲۲- رجبی، محمد حسن، نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۲.
- ۲۳- روحانی، حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران: انتشارات قلم وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۰، ج ۲، صص ۲۶۰-۲۵۹.
- ۲۴- شاهی، مظفر، ساواک سازمان اطلاعات و امنیت کشور (۱۳۵۷-۱۳۳۵)، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۶.
- ۲۵- منصوری، جواد، سیرت‌کونی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۷.
- ۲۶- عاقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۸۰.
- ۲۷- جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی- سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴.
- ۲۸- مصاحبه حسنعلی زهتاب، ۱۳۹۳.
- ۲۹- روزنامه اصفهان، نویسنده و مدیر مسئول امیر قلی امینی، روزنامه، محل نگهداری: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، اصفهان، سه شنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۴۷-۲۹ رجب ۱۳۸۸، سال بیست و ششم، شماره ۱۷۱۵.
- ۳۰- مصاحبه مهدی اژه‌ای، سمت: ریاست دارالقرآن کریم خیابان شیخ بهایی، موضوع مصاحبه: مبارزات فرهنگی در کانون علمی و تربیتی جهان اسلام، مصاحبه گران: دکتر سید علی‌رضا ابطحی، کیمیا کشتی‌آرا، دوشنبه ۹۳/۵/۱۳، مکان مصاحبه: دارالقرآن خیابان شیخ بهایی.
- ۳۱- مصاحبه حاج احمد زمانی، سمت: ریاست مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، موضوع مصاحبه: فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مصاحبه گران: دکتر سید علی‌رضا ابطحی، کیمیا کشتی‌آرا، اسفند ۱۳۹۲، مکان مصاحبه: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.
- ۳۲- مصاحبه فضل‌الله صلواتی، ۱۳۹۲.

- ۳۳- مصاحبه حاج رضا طیب‌نیا، سمت: ریاست مؤسسه خیریه کانون پیوند مهر، موضوع مصاحبه: فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مصاحبه‌گر: دکتر سید علی رضا ابطحی، پریسا امینیان، سه شنبه ۹۳/۱/۱۸، مکان مصاحبه: مؤسسه خیریه کانون پیوند مهر.
- ۳۴- مختاری اصفهانی، رضا، خاطرات محمد پیشگاهی فرد، مصاحبه‌کننده: مرتضی میردار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۵۹.
- ۳۵- مرکز بررسی اسناد تاریخی، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، شرح مبارزات مردم استان اصفهان کتاب اول از ۱۳۵۶/۸/۱ تا ۱۳۵۷/۱/۱۵، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۹.
- ۳۶- جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی- سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، ص ۳۲۱.
- ۳۷- امجدی، جلیل، تاریخ شفاهی سازمان مهدویون، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۰.
- ۳۸- شادلو، عباس، احزاب سیاسی و جناح‌های سیاسی امروز، تهران: نشر گستره، ۱۳۷۹، صص ۱۲۸-۱۵۷.
- ۳۹- جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی- سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، صص ۳۲۱-۳۲۰.
- ۴۰- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، گزارشی از حماسه ۱۵ خرداد سال ۴۲ در اصفهان به روایت خاطرات به همراه بحث (سیری در سوابق خاطره نویسی در ایران)، اصفهان: بنیاد تاریخ شعبه اصفهان، ۱۳۱، ص ۱۳.
- ۴۱- امجدی، تاریخ شفاهی سازمان مهدویون، ص ۲۱.
- ۴۲- نوربخش، سید حسن، یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره انقلاب اسلامی در اصفهان، ج ۲ از تحصن تا محرم ۵۷ و ج ۳، چگونه پیروز شدیم، تهران، ۱۳۶۶، اسناد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی